



• روایت ۱) حاج شیخ‌رضا مختاری

در سال ۱۳۸۵ش که مؤسسه کتاب‌شناسی شیعه تأسیس شد، ما تصمیم گرفتیم که مقالات پراکنده بزرگان معاصر در موضوعات کتاب‌شناسی و تراجم را گردآوری کنیم که حاصل آن نشر آثاری چون: در پرتو روضات (آثار و مقالات آیت‌الله سید محمدعلی روضائی) و حائری‌نامه (مقالات عبدالحسین حائری) شد. از جمله مصمم بودیم که مقالات و مصاحبات پراکنده تراجمی حضرت آیت‌الله شبیری زنجانی نظیر «فهرست شیخ منتجب‌الدین»، «ابوالعباس نجاشی و عصر وی»، «مؤلف تبصرة‌العوام»، «نکته‌هایی درباره شیخ ابوالفتح رازی و خاندان وی»، قاموس‌الرجال و صاحب آن»، «ابعاد شخصیت شیخ مرتضی انصاری»، «چشمه‌ای از فضائل میرزای بزرگ شیرازی» را گردآوری و یکجا منتشر کنیم. پس از گردآوری و تنظیم مقالات و مصاحبات، زمانی که با حجت‌الاسلام قویدل برای مرتب‌کردن کتابخانه شخصی آیت‌الله شبیری زنجانی به منزل ایشان رفته بودیم، حین توزک کتب، متوجه شدیم که ایشان بر کتب بسیاری حاشیه نوشته‌اند؛ از این‌رو آن کتاب‌ها به‌تدریج برای عکس‌برداری و استخراج و تنظیم حواشی به مؤسسه کتاب‌شناسی شیعه منتقل شد تا به‌مرور به‌عنوان بخش حواشی عربی و فارسی در کتاب «جرعه‌ای از دریا» منتشر شود.

در همان ایام به‌خاطر دارم آقای شعبانی که در مدرسه حقانی –واقع در کوچه حرم‌نما در مجاورت منزل آیت‌الله شبیری زنجانی– حجره داشت، قبل و بعد از نماز صبح، پیاده آیت‌الله شبیری زنجانی را همراهی می‌کرد و سؤالات تراجمی می‌پرسید؛ البته دقیق به یاد ندارم از چه زمانی ضبط‌کردن را رکورد را آغاز کردند؛ ولی همراهی و سؤال و جوابات تراجمی را به یاد دارم. در همان روزها آقای فاضلی که از تصمیم ما مطلع بود، با وی صحبت کردند که منتهی شد به قرارداد همکاری در تنظیم بخش طریقیات جرعه‌ای از دریا در تاریخ ۱ بهمن ۱۳۸۷. چون احتمال می‌دادیم که آیت‌الله شبیری زنجانی با انتشار خاطرات مخالفت کنند، زمانی که جلد اول به سرانجام رسید، به ایشان اطلاع ندادیم و زمانی که کتاب صفحه‌آرایی و برای چاپ آماده شد، به ایشان اطلاع دادیم که چنین کاری در دست چاپ است و چون در برابر کار انجام‌شده قرار گرفتند، مخالفتی نکردند.

هم اسم «جرعه‌ای از دریا» و تنظیم آن در سه فصل و هم اسم «طریقیات» و نیز تنظیم آن به‌صورت شخصیت‌محور از خود ما بود و بنا شد، خاطرات و نکات، ذیل شخصیت اصلی داستان‌ها درج شود. وقتی جلد اول جرعه‌ای از دریا منتشر شد، مورد اقبال بزرگان از جمله رهبر شهید^{رحمه‌الله}، حضرت آیت‌الله سیستانی و حضرت آیت‌الله سبیحانی قرار گرفت و همین سبب شد که آیت‌الله شبیری زنجانی^{رحمه‌الله} جلد‌های بعدی کتاب را قبل از چاپ ملاحظه و اصلاح و تحشیه و نیز جلد اول را هم بررسی و اصلاح کنند. در تنظیم فصول حواشی عربی و فارسی مقید بودیم که تعداد کتاب‌ها به اعداد خاصی نظیر ده از باب «تِلْکَ عَشْرَةُ کَامِلَةٍ» یا هشت به تعداد درهای بهشت، یا دوازده از باب اِنَّهُ اثناعشر ^{رحمه‌الله} برسد و تعداد مجلدات هم به عدد خُمسه طَیْبه به پنج ختم شد.

نکته حائز اهمیت درباره طریقیات این است که آیت‌الله شبیری زنجانی وقت مستقلى برای بیان خاطرات نمی‌گذاشت و این خاطرات در طی طریق ایشان از منزل به حرم مطهر یا بالعکس یا در راه دفترشان واقع در منزل سابق مرحوم آیت‌الله صدر و در مطاوی جلسات علمی عصر و شب بیان و ثبت شده و بیان خاطرات، ترتیب و نظم و نسق خاصی نداشت و ممکن بود در یک جلسه پنج خاطره راجع به پنج نفر بیان کنند که قهراً در تنظیم نهایی باید با دقت، تاریخ وفات‌شان مشخص و به‌ترتیب تاریخ مرتب می‌شد. در هر صورت، پیشنهاد کلی الحاق خاطرات به کتاب جرعه و نیز معرفی آقای شعبانی ابتداءً از سوی آقای فاضلی مطرح شد. تا به امروز جلد اول جرعه‌ای از دریا، ۹ بار، جلد دوم ۷ بار، جلد سوم پنج بار و جلد چهارم چهار بار چاپ شده است.



• روایت ۲) حجت‌الاسلام شیخ علی فاضلی

حوالی سال ۱۳۸۶ش زمانی که جناب آقای مختاری –مدیر مؤسسه کتاب‌شناسی شیعه– در صدد بودند مقالات و نوشته‌های پراکنده آیت‌الله شبیری را تنظیم و منتشر کنند، به ایشان عرض کردم، مهم‌تر از این کار، تنظیم و نشر خاطرات ارزنشمند آقای شبیری است؛ البته من خیلی قبل‌تر در فکر چنین کاری بودم و روزی هم به خود آقای شبیری عرض کردم که افراد بقایی ندارند و این خاطرات شما چون خیلی مهم است، لازم است ثبت و ماندگار شود. ایشان هم تصدیق کرد. در همان ایام دیدم شخصی با دستگاه رکوردر کوچکی مطالب آقای زنجانی را ضبط می‌کند؛ از این‌رو به آقای مختاری پیشنهاد کردم، مناسب است ایشان با شما همکاری کند. در آن زمان با آقای شعبانی (همان مصاحب) آشنایی نداشتم. روزی به وی گفتم: حال که شما دارید خاطرات آقای شبیری را ضبط می‌کنید، حاضرید با آقای مختاری همکاری کنید؟ ایشان هم پذیرفت و به‌دلالت من با آقای مختاری در محل قبلی مؤسسه کتاب‌شناسی شیعه واقع در کوچه آمار گفت‌وگو کردند و تنظیم بخش طریقیات جرعه‌ای از دریا از آنجا شکل گرفت؛ اما نام‌گذاری بخش خاطرات کتاب به «طریقیات»، انتخاب خود آقای مختاری بود؛ به‌جهت اینکه بخش عمده‌ای از این خاطرات در حین طی طریق ضبط شده بود.

چون در این دوروایت، سخن از نام‌گذاری کتاب شد، مناسب دیدم سخن رهبر شهید انقلاب^{رحمه‌الله} درباره کتاب جرعه‌ای از دریا و وجه تسمیه آن را به‌نقل از مرحوم آیت‌الله شبیری زنجانی خطاب به آقای مختاری،. پس از نشر چاپ اوّل جلد سوم، در اوائل سال ۱۳۹۴ش .ذکر کنم:

«شب گذشته آقای خامنه‌ای به منزل ما تشریف آوردند و از ذوق و ابتکار شما در تنظیم کتاب جرعه‌ای از دریا خیلی تعریف کردند و گفتند: «من جلد اول و دوم را صفحه به صفحه تا آخر نگاه کرده‌ام؛ ولی جلد سوم را هنوز نتوانده‌ام و برای اینکه به کتابخانه منتقل نشود، دم دست گذاشتم‌ام تا بخوانم.»

ایشان فقط یک اشکال راجع به نام «جرعه‌ای از دریا» مطرح کردند و گفتند: «آب دریا که شور است و قابل چشیدن نیست.» البته فرزندم جواد پاسخ داد: «اقتباس از بیت معروف مثنوی است که: آب دریا را اگر نتوان کشید / هم به‌قدر تشنگی باید چشید»

آقای خامنه‌ای هم پاسخ دادند: «ما هم اشکال‌مان به مولوی است. مناسب‌تر این بود که قطره‌ای از دریا یا واژه‌ای نظیر آن باشد.»

خلاصه آقای خامنه‌ای از کتاب جرعه‌ای از دریا و ابتکار شما خیلی تعریف کردند.»

چگونگی تدوین جرعه‌ای از دریا

محمد جواد شعبانی مفرد

«ایام خوش آن بود که با دوست به سر رفت»

از زمانی که جلد اول «جرعه‌ای از دریا» در سال ۱۳۸۹ش منتشر شد و مورد اقبال فضلا و پژوهشگران دانش تراجم و علاقه‌مندان سیره بزرگان قرار گرفت، درباره چگونگی تدوین این کتاب و به‌ویژه بخش «طریقیات» سؤال می‌شد. چون از آغاز این کار قریب بیست سال می‌گذرد، مایلم در پاسخ، پیش از بیان روایت خودم، دو روایت از آقایان حجت‌الاسلام علی فاضلی و حاج شیخ‌رضا مختاری، مدیر مؤسسه کتاب‌شناسی شیعه نقل کنم:

• روایت ۳) محمد جواد شعبانی مفرد

در دورانی که هنوز آیت‌الله شبیری زنجانی به پادرد مبتلا نشده بود، بعید می‌دانم کسی با ایشان هم‌قدم شده باشد و نکته‌ای علمی یا خاطره‌ای پندآموز و شیرین از زبان ایشان نشنیده باشد. فیض عامی بود که نصیب هر کسی می‌شد که در ساحل این دریای دانش و فضیلت قدم می‌زد. تواضع بی‌مثالش باعث شده بود که بار دانش و فضیلتش آن‌قدر به زمین نزدیک شود که هر رهگذری را بهره‌مند سازد. این فیض مدام سال‌ها این چنین ادامه داشت و این اهتمام به بیان تراجم علما در کنار درس‌های گوناگون‌شان، کاشف از اهمیتش در نظر ایشان بود. حوالی سال ۱۳۸۵ش زمانی که حجره‌نشین مدرسه حقانی بودم، روزی به این موضوع اندیشیدم که چرا وقتی این وجود ذی‌قیمت، وقت شریفش را صرف بیان چنین خاطرات ارزشمندی می‌کند، ثبت نشود و مانا نگردد؟ علاوه بر آن که اگر ثبت شود، می‌توان دیگران را به آن ارجاع داد و به‌جای تکرار آن، می‌شد از خاطرات دیگر پرسید و مجموعه‌ای از خاطرات دست اول و ناگفته گردآورد و تحفه‌ای برای جویندگان دانش تراجم ساخت؛ به‌ویژه که هرچه سن ایشان بالاتر می‌رفت، با آن حافظه عجیب، خود نگران فراموشی‌های آتی بود و دفعات معدودی که پیش می‌آمد، از آن شکایت می‌فرمود. همین نگرانی و دلایل قبلی مرا به این اندیشه واداشت که این خاطرات را ضبط و ثبت کنم.

از این‌رو، در آن ایام که دستگاه‌های ضبط جدید (رکوردر) هنوز باب نشده بود، روزی رکوردی به امانت تهیه کردم و به این قصد با ایشان هم‌قدم شدم. در آن ایام جامعه صحنه التهابات سیاسی پسادوم‌خرداد بود و بزرگان در سخن‌گفتن به‌ویژه اگر بنا به ضبط بود، بسیار محتاط بودند. رکوردربه‌دست به ایشان نزدیک شدم و مثل همیشه سؤالی تراجمی مطرح کردم تا بهانه‌ای برای بیان خاطره‌ای یا نکته‌ای تراجمی گردد. ایشان با اینکه مرا می‌شناخت، تأملی کردند و با عبارتی لطیف این چنین از پاسخ طفره فرتند. فرمودند: «مرحوم والد ما وصیتی کرده است که می‌خواهم به آن عمل کنم. ایشان به ما وصیت کرده که نه جلال باشیم و نه ذوالجلال. به این معنی که نه دنبال کسی راه بیفتیم و جلالش شویم و نه اجازه بدهیم کسی به دنبال ما راه بیفتد و ذوالجلال باشیم. من هم طبق وصیت والد دوست ندارم کسی دنبال من راه بیفتد.» سپس عذرخواستند و راهی شدند. من که دیدم نه‌تنها به مقصود نرسیده‌ام که اصل این همراهی نیز از دستم رفته، از در تحریک عواطف وارد شدم و التماس‌گونه عرض کردم که قصدم از ثبت خاطرات شما این است که نامی از بزرگان و اساتید شما بماند و ادای حقی شود و شروع کردم، یک یک اساتیدشان را نام بردم. تا این را گفتم، ایشان منقلب شد و از سخن اولش برگشت و فرمود: «پس فقط یک وعده همراهی کن و وعده‌های دیگر را برای دیگران بگذار!» و این‌گونه رسماً ضبط خاطرات آغاز شد و برای اینکه مبادا اعتمادشان مخدوش شود، پس از مدتی جزوه‌ای دست‌نویس به رؤیت ایشان رساندم و عرض کردم که این اوراق، همان تراجم علمایی است که در راه بیان فرموده‌اید. ایشان از دیدنش خرسند شدند و سبب شد، با اهتمام بیشتری به بیان خاطرات خود ادامه دهند.

در همان ایام روزی حجت‌الاسلام علی فاضلی که خود بیش از همه به ارزش این کار واقف بود، در مقام تشویق حقیر فرمود که خوب است این کار در ضمن مجموعه‌ای از آثار آیت‌الله شبیری زنجانی که قرار است توسط استاد ارجمند حجت‌الاسلام رضا مختاری در مؤسسه کتاب‌شناسی شیعه منتشر شود، قرار گیرد. به‌دلالت ایشان با آقای مختاری دیدار و گفت‌وگو کردم که نتیجه‌اش شکل‌گیری بخش «طریقیات»



کتاب جرعه‌ای از دریا شد.

چند نکته لازم درباره طریقیات

۱. گرچه در نظر مخاطب کتاب، مطالب کتاب با چینشی سهل و منطقی ذیل عنوان شخصیت اصلی نقل و به‌ترتیب تاریخ وفیات قرار گرفته است؛ اما برخلاف این ظاهر سهل، گردآوری و تنظیم تک‌تک مطالب ذیل هر عنوان، با دشواری و مرارت فراوان انجام شده‌است. در بسیاری از موارد، نقل‌ها حاصل مصاحبات مکرر در روزهای مختلف است. علت عمده‌اش این بود که آیت‌الله شبیری زنجانی، فرصت‌های محدودی نظیر طی طریق را برای بیان خاطرات قرار داده بودند و هر بار اگر مجالی بود، تنها بخشی و بُعدی از یک شخصیت یا یک موضوع تاریخی مورد بررسی قرار می‌گرفت.

۲. با تمام دشواری‌های پیش رو، از ضبط و پیاده‌سازی تا تنظیم و تقویم بخش طریقیات، پس از انتشار مجلدات جرعه، سیل تشویق‌ها و نقد و نظرهای رهبر شهید و مراجع و فضلا و پژوهشگران، موجب دلگرمی در پیمودن این مسیر شد. از جمله حضرت آیت‌الله سبحانی ضمن تمجید از جرعه‌ای از دریا خطاب به آقای مختاری گفتند:

«آیت‌الله زنجانی شخصیتی است که نظیر ندارد؛ از نظر اطلاعات، از نظر علم، از نظر تقوا و از نظر بیت، بسیار مرد جلیل‌القدر و فاضلی است و از هر نظر حائز امتیازاتی است که من حیث المجموع ایشان را بی نظیر و منحصربه‌فرد کرده است. گذشته از این‌ها تواضع ایشان و احترامی که ایشان نسبت به همه انجام می‌دهد، برای ما درس‌آموز است. من حدود ۷۲ سال است که ایشان را می‌شناسم و در طول این مدت، همیشه از وجود ایشان استفاده می‌کنم. همیشه در کنار ایشان باشید و خاطرات ایشان را حفظ کنید تا مبادا این خاطرات را با خود ببرد و از دست برود.»

۳. نکته حائز اهمیت در ثبت مطالب طریقیات این است که در پیاده‌سازی هیچ‌یک از مطالب به حافظه تکیه نشده و همگی از ضبط، پیاده‌سازی و تنظیم شده و در نهایت به رؤیت و امضای آیت‌الله شبیری زنجانی رسیده است و این رؤیت و امضاء، تفاوت عمده نقل‌های کتاب جرعه‌ای از دریا با سایر نقل‌های منتشرشده در فضای مجازی و سایر مکتوبات است. تمام مجلدات جرعه‌ای از دریا از جلد اول (که پس از چاپ به رؤیت ایشان رسید) تا جلد پنجم (که پیش از چاپ به رؤیت ایشان رسید)، همه را ملاحظه و اصلاح کرده‌اند.

۴. به حول و قوه الهی پس از انتشار مجلد فهارس کتاب جرعه‌ای از دریا، بخش طریقیات جلد‌های یک تا پنج به‌صورت یک کتاب مستقل و با همان نام جرعه‌ای از دریا (تحریر ثانی) در قالب ۳۱۳ عنوان از شخصیت‌های بزرگ شیعه و به‌ترتیب تاریخ وفیات سامان و انتشار خواهد یافت.

۵. بر خود لازم می‌دانم از استاد گران‌قدر حجت‌الاسلام رضا مختاری قدرنریز کنم که اگر در طول این بیست سال، اراده و پایدردی ایشان نبود، جرعه‌ای از دریا به این شکل سامان نمی‌یافت و به ثمر نمی‌نشت. نیز از پژوهشگران و کارکنان مؤسسه کتاب‌شناسی شیعه که در تمام مراحل آماده‌سازی کتاب از حلّ معضلات علمی تا ویرایش و صفحه‌آرایی و نشر آن همکاری کردند و همچنین از بیت معظم حضرت آیت‌الله شبیری زنجانی و فرزندان ایشان به‌ویژه استاد گرانقدر حاج سید محمد جواد شبیری زنجانی که پیش از چاپ هر جلد، مباحث دقیق رجالی کتاب را از نگاه دقیق خود می‌گزارانند، قدرشناسی می‌کنم.

از باب حسن ختام، کلام را با نقل سه خاطره درس‌آموز از آن مرجع فقید به پایان می‌برم:

خاطره ۱) اهمیت حق‌الناس

محضر آیت‌الله شبیری زنجانی مشحون از فواید علمی، خاطرات ارزشمند، لطایف ادبی، نکات تفسیری و حتی گاهی معماهای مشکل ریاضی بود و هر کسی که همراه می‌شد، به فراخور فهم خود بهره می‌برد. به یاد دارم در دی‌ماه ۱۳۸۵ش هنگامی که پیاده برای اقامه نماز صبح به حرم حضرت معصومه ^{رحمه‌الله} مشرف می‌شدند، مدّتی در مسیر رفت و برگشت، به بیان معماهای دشوار ریاضی می‌پرداختند. به این صورت که معمولاً در مسیر رفت، به طرح مسئله می‌پرداختند و از همراهان می‌خواستند تا پس از نماز صبح در مسیر برگشت، پاسخ بدهند و طبعاً مسائل به‌قدری دشوار بود که همراهان قادر به پاسخ نبودند و خودشان در طول مسیر برگشت، پاسخ را بیان می‌فرمودند. در تاریخ ۱۷ دی ۱۳۸۵ش در هنگام بازگشت از نماز صبح در طول مسیر کوچه حرم‌نما که به مدرسه حقانی و از آنجا به منزل ایشان در کوچه بوعلی منتهی می‌شد، این معما را مطرح فرمودند: «سه تا سنگ داریم که مجموع اوزان آن‌ها چهل کیلو است. هر کدام از این سه سنگ باید چند کیلو باشد تا بتوانیم با این سه سنگ از یک‌کیلو تا چهل کیلو را توزین کنیم؟» و فرمودند: «تا فردا فرصت دارید این مسئله را حل کنید.»

ادامه در صفحه ۱۱